

بحرانها و چالشها در نظام آموزش عالی جهان

سرمقاله :

نوشته: دکتر سید محمد رضا هاشمی گلپایگانی
وزیر فرهنگ و آموزش عالی

نگاهی به روند تحولات جاری نظام آموزش عالی در جهان نشان می‌دهد که نظام آموزش عالی جهانی با سه بحران بزرگ مواجه است و مانیز از این بحرانها مستثنی نیستیم.

بحران افزایش کمی

بحران نابرابری در خصوص دسترسی به آموزش عالی

بحران تنگناهای مالی

۱- بحران افزایش کمی:

واقعیت آمار جهانی نشان می‌دهد که هم اکنون بالغ بر ۶۰ میلیون دانشجو در سراسر جهان وجود دارد و تعداد دانشجویان در بیست سال گذشته بیش از دو برابر شده است.

در همین مدت شمار دانشجویان در آفریقای صحرایی ۸ برابر، در آسیای شرقی و اقیانوسیه و کشورهای عربی ۶ برابر، در آمریکای لاتین و کارائیب ۴/۵ برابر و در آسیای جنوبی ۲ برابر گردیده‌اند. گفتنی است که در کشور خود ما این رقم از تعداد ۹۷۳۳۸ در سال ۱۳۵۱ به ۸۵۰۰۰۰ در سطح ملی در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است.

۲- بحران نابرابری در خصوص دسترسی به آموزش عالی

نرخ ثبت نام در سن گروه آموزش عالی یعنی ۱۸ تا ۲۴ سال این حقیقت را در سطح جهانی نشان می‌دهد که صرفاً ۱۳/۵ درصد از سنین این گروه در سال ۱۹۸۸ در آموزش عالی ثبت نام کرده‌اند. البته این نسبت در سال ۱۹۷۰ برابر با ۸/۵ درصد بوده است. این نسبت در کشورهای صنعتی و پیشرفته ۳۶/۸ درصد در مقابل ۸/۳ درصد در کشورهای در حال توسعه بوده است.

در حقیقت شانس جوانان در کشورهای صنعتی برای ادامه تحصیل در سطح آموزش عالی ۴ برابر بیشتر از کشورهای در حال توسعه و ۱۷ برابر بیشتر از افرادی است که در آفریقای صحرایی زندگی می‌نمایند. این نابرابری در تعداد دانشجویان نسبت به یکصد هزار نفر جمعیت کشورها نیز مشهود است. کشورهایی چون کانادا و آمریکا بالای ۵۰۰۰ دانشجو و کشورهای اروپایی چون هلند، سوئد، فنلاند و آلمان بالای ۲۵۰۰ نفر دانشجو در هر یکصد هزار نفر جمعیت هستند. این نسبت در برخی از کشورها کمتر از ۱۰۰۰ نفر می‌باشد. کشورهایی چون یونان ۹۲۹، ترکیه ۸۶۳، آلبانی ۷۲۱، و رومانی ۶۹۴ نفر دانشجو در یکصد هزار نفر جمعیت خود دارند.

این ارقام در کشورهای در حال توسعه اسفناک است. این وضع در موزامبیک ۱۶ نفر، در بوتان ۱۷ نفر و در اوگاندا ۲۰ نفر دانشجویی باشد. در جمهوری اسلامی ایران تعداد دانشجویان در یکصد هزار نفر جمعیت با اجرای برنامه اول توسعه به ۱۴۰۰ نفر دانشجوی بالغ شده است.

۳- بحران تنگناهای مالی:

در سطح جهانی این بحران در کشورهای مختلف متفاوت است. به طور متوسط هزینه سرانه یک نفر دانشجوی در کشورهای در حال توسعه ده برابر کمتر از هزینه سرانه هر دانشجوی در کشورهای صنعتی و پیشرفته است. جدول زیر هزینه سرانه دانشجوی و همچنین درصد تخصیص تولید ناخالص ملی در آموزش عالی را نشان می‌دهد.

| هزینه سرانه | درصد تولید ناخالص ملی به آموزش عالی |
|----------------------------|-------------------------------------|
| ۱- در کشورهای در حال توسعه | ۶۶۱ دلار |
| ۲- آفریقای صحرایی | ۱۴۵۹ دلار |
| ۳- کشورهای عربی | ۱۴۶۷ دلار |
| ۴- آمریکای لاتین و کارائیب | ۸۶۳ دلار |
| ۵- آسیای شرقی و اقیانوسیه | ۴۴۶ دلار |
| ۶- آسیای جنوبی | ۴۴۵ دلار |
| ۷- کشورهای پیشرفته | ۶۵۲۰ دلار |

گفتنی است ۴/۶ درصد از تولید ملی کشور و ۲۲/۱ درصد از هزینه‌های دولت در سال ۱۳۷۰ اختصاص به آموزش داشته است از کل مبلغ یک هزار و شصت و شش میلیارد ریال که در سال ۱۳۷۰ مصرف شده است، ۳۴/۶ درصد برای آموزش ابتدایی، ۴۰/۱ درصد برای آموزش راهنمایی و متوسطه و ۱۵/۴ درصد برای آموزش عالی هزینه شده است. و در ضمن هزینه سرانه دانشجوی مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال بوده است.

در مجموع این بحرانها یعنی افزایش کمی، نابرابری در دسترسی به آموزش عالی و تنگناهای مالی به کیفیت نظام آموزش عالی آسیب رسانده و مسئولیت و رسالت آنرا در تغییر و توسعه جامعه مختل نموده است. این امر نیز مورد تأیید بخش استراتژی بین‌المللی توسعه سازمان ملل واقع گردیده و آنان قویاً توصیه نموده‌اند که توسعه اقتصادی باید بر مبنای دواصل استوار باشد.

۱- اصل کاهش فقر ۲- اصل گسترش و توسعه منابع انسانی

بنابراین نقش اساسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی همانا در اتخاذ استراتژی‌های سنجیده جهت توسعه منابع انسانی است که مالا به کاهش فقر در ابعاد مختلف نیز منتهی می‌گردد. مسئولیت این امر نه تنها به عهده دولت است، بلکه همه ارگانهای یک جامعه و تمامی شهروندان در تحقق این اصول شریک و مسئولند. در حقیقت در چالش با بحرانهای فوق و کاهش تنش‌ها در کشوری مسئول است که با عنایت به مطالعات تطبیقی و تجارب بومی به اتخاذ سیاستهای سنجیده و کاربست مکانیسم های معقول بپردازد. در این خصوص رسالت هسته مرکزی نظام آموزش عالی همانا تزکیه و تربیت آگاهانه و طراحی شده نیروی انسانی و شهروند متخصص در عصر تکنولوژی نسل دوم جهت بخشهای صنایع، کشاورزی و خدمات می‌باشد به نحوی که تمامی این نیروها همخوانی و همسویی با سیاستها و نظام ارزشی جامعه داشته باشند تا بتواند عامل تغییر و توسعه جامعه تلقی گردند.

تحقق امور فوق بر عهده نظام آموزش عالی کشور است نظامی که اصل سی‌ام قانون اساسی، انقلاب شکوهمند اسلامی، رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی وظایف و رسالتها و مسئولیتهای سنگینی را بر دوش چرخهای آموزش عالی کشور قرار داده است، مسئولیتهای و رسالتهایی که از بار عمیق فرهنگی و ارزشی نیز برخوردار می‌باشد و در دو بعد علمی و ارزشی خلاصه می‌شود. در بعد علمی نظام آموزش عالی کشور با نظارت مستمر بر ارتقای کیفیت تدریس، کیفیت مهارت آموزی، کیفیت پژوهشهای بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای و سرانجام نظارت بر امر خدمات اجرایی، علمی و مشاوره‌ای دانشگاههای دولتی و خصوصی می‌تواند موجبات اجرای هر چه اصولی‌تر برنامه‌های علمی و توسعه را فراهم سازد. در بعد فرهنگی و ارزشی نظام آموزش عالی مسئول گسترش فرهنگی، حفظ ارزشهای دینی و ملی است. همچنین مسئول فکری به جامعه جهت فقر زدایی، حفاظت از محیط زیست، تقویت و اشاعه بهداشت، بهبود صنایع غذایی و کشاورزی و فراهم آوردن زمینه‌های همکاری و صلح بین‌المللی نیز می‌باشد. در اینجا این سؤال اساسی به ذهن متبادر می‌گردد که چگونه می‌توان برای این چالشها و بحرانها تفوق یافت و آنها را مهار و کنترل نمود. پاسخ این سؤال در ادبیات منسجم علمی و تجارب بین‌المللی در یک واژه "برنامه‌ریزی" خلاصه شده است. متأسفانه شواهد و تجارب تاریخی در کشور ما نشان می‌دهد که امر برنامه‌ریزی تا این اواخر مورد غفلت قرار داشته است و ما خود شاهد آثار این غفلت‌ها و غربت‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی بوده‌ایم.

اخیراً خوشبختانه با طراحی و اجرای موفقیت‌آمیز برنامه اول، و با عنایت به تدوین برنامه دوم مبتنی بر تجارب حاصله از تدوین و اجرای برنامه اول راهی به سوی نهادی شدن برنامه‌ریزی در کل فرهنگ جامعه اسلامی ایران گشوده شده است. و امید می‌رود استادان دانشگاهها، صاحب نظران، سیاست‌گذاران، کارشناسان و علاقه‌مندان این راه را گشوده و ترمینه‌تداوم و اجرای برنامه‌ها را فراهم آورند این مهم در بخش آموزش عالی بالأخص به عهده دانشگاه‌هایان کشور است که با ارائه چارچوبهای نظری و رهنمودهای عملی موجبات تحقق اهداف تدوین شده برنامه دوم بخش آموزش عالی و تحقیقات را فراهم آورده و زمینه‌ساز تدوین و اجرای برنامه‌های بلندمدت آینده باشند، چه، برنامه‌ریزی است که در مناقضا، تعهد و انتظار ایجاد می‌کند و رهبری این مهم به عهده دانشگاههاست.

آری، رهبر فقید انقلاب شکوهمند اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به حق فرمودند که "دانشگاه مبدأ همه تحولات است و از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود".

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیاناتشان قویاً توصیه فرمودند: "دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد شود سرنوشت آن جامعه فساد است".

به امید آنکه به مدد دانشگاه‌هایان بتوانیم زمینه‌ساز تحولات مطلوب در جامعه و کشور اسلامی باشیم.